

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح نامه کرسی علمی ترویجی با عنوان:

«فهم های انحرافی در منزلت امامان معصوم، از غلو تا تقصیر»

سیده منا موسوی

استادیار گروه شیعه شناسی دانشگاه قم

تبیین مسأله

امامت از اصول اعتقادی بسیار مهم در مکتب تشیع اثنی عشری است. این اصل بیانگر آن است که پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) که به ختم نبوت انجامید، به ترتیب دوازده جانشین وی، که به عنوان امام شناخته می‌شوند، رسالت‌های پیامبر(ص) را در میان امت اسلامی ادامه دادند. این جانشینان دوازده‌گانه، مطابق تفکر شیعه اثنی عشری، از حضرت علی(ع) شروع می‌شود و نهایتاً به حضرت مهدی(عج) به عنوان امام دوازدهم ختم می‌شود که اکنون در غیبت به سر می‌برد. مبنای این اعتقاد، روایات و احادیث معتبری است که از شخص پیامبر(ص) درباره دوازده جانشین پس از وی نقل شده است.^۱ اعتبار این روایات نزد اهل سنت نیز مورد تأیید است و از این رو، در میان آنان تلاش‌هایی نافرجام و غیر قابل دفاع برای پیدا کردن این دوازده جانشین از میان خلفا و حکمای اولیه صورت گرفته است.^۲

از این رو یکی از مسائل بسیار مهم در کلام اسلامی و به طور خاص، کلام امامیه، مسئله تشخیص منزلت واقعی امامان اثنی عشر است. یکی از دلایل اهمیت این مسئله وجود فهم‌های انحرافی در تشخیص شأن امامان معصوم(علیهم السلام) بوده است که همواره از سوی خود ائمه(علیهم السلام) با چنین برداشت‌هایی به شدت مبارزه شده است. در آموزه‌های روایی تأکید بر این است که در اسناد منزلتی به امام دچار افراط یا تفریط نشویم. جانب افراط اسناد مقامی بالاتر از مقام واقعیشان و جانب تفریط اسناد مقامی کمتر از مقام واقعیشان است که از اولی به «غلو» و از دومی به «تقصیر» تعبیر شده است.

^۱ عن علی بن ابی طالب علیه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله الاثمه بعدی اثنی عشر: اولهم انت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح الله عز و جل علی یدیه مشارق الأرض و مغاربها (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ص ۲۸۴).

^۲ برای مشاهده تحقیقی قابل توجه در این زمینه ر. ک: غلامحسین زینلی، دوازده جانشین؛ پژوهشی در باب احادیث «خلفای اثنی عشر»، قم: پژوهشگاه

به طور کلی موضع ائمه (علیهم السلام) نسبت به پدیده غلوّ موضع رد و انکار شدید بوده است. ائمه به صراحت از اندیشه‌های غلوّ‌آمیز درباره خود نهی کرده‌اند و از غالیان براثت جسته، آن‌ها را محکوم به کفر و خروج از ولایت الله کرده‌اند.^۳ با این حال، همان‌طور که غلوّ در حق ائمه مورد رد و تنکیر شدید خودشان قرار گرفته است از تقصیر نیز به شدت نهی کرده‌اند. امام عسکری (علیه السلام) صراط مستقیم در دنیا را صراطی معرفی می‌کند که نه غلوّ است نه تقصیر و هر دو از نظر ایشان نکوهیده است «...صراط مستقیم در دنیا صراطی است که پایین‌تر از غلو و بالاتر از تقصیر باشد و انحرافی به سمت باطل نداشته باشد» (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۳۳). امام رضا (علیه السلام) نیز واضعان و جاعلان اخباری را که در آن در حق امام غلو یا تقصیر شده است مخالفین ائمه می‌داند: «مخالفین ما کسانی هستند که در فضائل ما اخباری را وضع کردند و آن را بر سه قسم قرار دادند غلو، تقصیر و تصریح به عیوب دشمنان ما...» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳۰۴).

در نتیجه تشخیص مقام و منزلت واقعی امامان معصوم (علیهم السلام) امری بسیار خطیر و حساس است و لازم است در تحقیقاتی که در این زمینه انجام می‌شود دقت و احتیاط لازم صورت پذیرد. تا کنون درباره منزلت و جایگاه امامان دوازده‌گانه و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها مباحث مختلف صورت گرفته است. دسته‌ای از تحقیقات انجام‌گرفته در این زمینه مبتنی بر اصول علمی و روش‌های تحقیقی قابل قبول بوده است و حال آن‌که دسته‌ای دیگر از این مباحث بدون رعایت اصول پژوهش و بیشتر مبتنی بر برداشت‌ها و استنباطات شخصی صورت گرفته‌اند. مقاله حاضر به بررسی یکی از تحقیقاتی که در سال‌های اخیر در زمینه امامت در کتاب مکتب در فرایند تکامل انجام شده است^۴ اختصاص دارد. در این مقاله نشان داده خواهد شد که تحقیق مذکور تا حد زیادی مبتنی بر استنباطات شخصی نویسنده است و در نتیجه نویسنده به بهانه پرهیز از غلوّ به دام تقصیر افتاده است.

در این مقاله بخش مورد نظر از کتاب مذکور مورد آسیب‌شناسی مفهومی قرار گرفته است و نشان داده شده که نویسنده مفاهیم روشنی از اصطلاحات به کار گرفته شده ارائه نداده است و تعهدی به حفظ یک مفهوم ندارد و برای اثبات مدعیات خود مرتکب لغزش معنایی شده است. ایشان کاربرد برخی صفات درباره معصومین را فوق بشری و در نتیجه غلو دانسته است. در حالی که هیچ تعریف و حدی برای این دو اصطلاح ارائه نداده است.

^۳ در این باره روایاتی وجود دارد که در متن مقاله به آن استناد شده است.

^۴ در این مقاله بخش دوم کتاب مذکور، با عنوان «غلو، تقصیر و راه میانه تکامل مفهوم امامت در بعد علمی و معنوی» نقد و بررسی شده است.

عدم توجه به صدر و ذیل استنادات و نیز ارجاع و استناد بعضا ناقص یا نادرست موجب ایجاد مغالطاتی در فهم و برداشت از متن شده است.

اما اولاً حدود و مصادیق غلو در شریعت بیان شده است و معیارهای ارائه شده توسط متکلمین مستنبط از آموزه‌های دینی است. و مواردی مثل عصمت علم غیب تعلیمی قدرت تصرف در کائنات به اذن خدا و مانند آن از مصادیق غلو شمرده نشده است.

ثانیاً توجه به تفکیک گونه استقلالی و غیر استقلالی صفات برای رهایی از این معضل و نیافتادن در دام غلو ضروری است. در غیر این صورت فرد در نتیجه‌گیری دچار مغالطه می‌شود.

صفات بر دو گونه اند یک دسته مخصوص ذات احدیت است و اسناد آن به غیر خدا شرک و غلو است. مانند مجرد تام، عدم تناهی، نامیرایی، علم و قدرت بی‌انتهای، استقلال در افعال، قدم ذاتی و...دسته دیگر صفاتی هستند که قابل اسناد هم به خدا هم به انسان است. با این قید که گونه استقلالی و غیر استقلالی آن لحاظ شود. مانند علم غیب ولایت تصرف در کائنات خلق رزق و ... این صفات و افعال به گونه استقلالی تنها از آن خداوند است اما به طور غیر استقلالی، تعلیمی، مستفاد و به اذن و اراده‌ی خداوند تحت شرایط خاص قابل اسناد به انسان هم هست. این نکته با ادله عقلی و نقلی قابل استدلال است که در متن مقاله مورد استدلال و استناد قرار گرفته است.

اتهام غلو یا ناشی از عدم درک درست از این معانی و صفات است یا ناشی از جهل به مقام امام است. این در حالی است که مقصر معرفی شده است به کسی که در معرفت امام کوتاهی کند. (مجلسی ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۴)

فرضیه

قول به صفاتی چون عصمت، علم غیب تعلیمی و مانند آن درباره‌ی امام معصوم، غلو و خروج از مرز اعتدال نیست.

هدف

هدف از ارائه این نوشتار دفاع مستند و تبیین مقام واقعی امامان معصوم و متذکر شدن این نکته است که در تحقیقات مبتنی بر متون نقلی ضروری است که با اعمال اصول پژوهشی و دقت مفهوم شناسانه و ارجاع و اسناد کامل، در فهم و برداشت صحیح و دقیق متن تلاش کرد.

ضرورت بحث

حدیث معروف من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه به وضوح هم دلالت بر اهمیت مسأله امامت و هم بر ضرورت و اهمیت شناخت امام دارد. به طوری که عدم شناخت امام معادل مرگ از روی کفر و شرک است. و شناخت امام هم شناخت ظاهری و اسم و نسب و هم شناخت صفات و مقام و جایگاه وجودی امام را دربرمی‌گیرد. یکی از جهات اهمیت معرفت امام معصوم این است که درباره او به غلو یا تقصیر نیافتیم که در این صورت به بیراهه رفته، از مسیر اعتدال و استقامت که مسیر حق است به دورمانده، مورد زجر و نهی شدید خداوند قرار خواهیم گرفت. در این باره لازم است با رعایت اصول فهم و برداشت صحیح از متون به این مهم نائل آییم.

پیشینه موضوع

کتاب از زوایای گوناگون مورد نقد قرار گرفته است و مقالاتی در این زمینه نگاشته شده است، اما نقدهای مورد نظر با آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است تفاوت دارد. برای نمونه، نک: جواد علاء المحدثین، «نقد فرضیه تطور امامت شیعی»، امامت پژوهی، ش ۷، ص ۲۰۷-۲۳۶ و ش ۸، ص ۲۰۷-۱۳۹۱، ۲۴۸؛ حمیدرضا قربانی و... «نقد روش‌شناسی بر نظریه علما ابرار»، اندیشه دینی، ش ۳۲، ص ۲۳-۴۲، ۱۳۹۲؛ محمود هدایت افزا، «تأملی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل»، کتاب ماه دین، ش ۱۴۲، ص ۹۸-۱۰۸، ۱۳۸۸ و مهدی چهل تنی، «نقض بی‌طرفی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل»، همان، ص ۹۰-۹۷. وجه تمایز مقاله حاضر با این مقاله‌ها این است که افزون بر نقد روش شناختی، نحوه فهم متون در خصوص غلو در علم و عصمت امام نیز مورد نقد قرار گرفته است.